



قال الله تبارک و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

صبر

شناسنامه مطلب	
کد مطلب	t-247
رده	تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/فضائل/سطح شناخت
برچسب	تزکیه، تربیت نفس، فضائل، صبر، درجات صبر، نتایج صبر، امام خمینی
توضیحات	

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی **نُمو**

nomov.ir

از نتایج بزرگ و ثمرات عظیمه حریت و خروج از عبودیت نفس، صبر در بلیّات و نوائب است. و بر ذمه ماست که بیان معنای «صبر» را مجملا و اقسام و ثمرات آن و ارتباط آن را به حریت بنماییم.

«صبر» را چنانچه محقق طایفه حقه و مدقق فرقه محقه، کامل در علم و عمل، نصیر الدین طوسی^[۱]، قدّسه الله نفسه القدوسی، تعریف نمودند، عبارت از «نگاهداری نفس است از بیتابی نزد مکروه»^[۲] و عارف محقق مشهور در منازل السائرین فرماید: «صبر نگاهداری نفس است از شکایت بر جزع مستور»^[۳] - انتهی. و بدان که صبر را از مقامات متوسطین محسوب داشتند، زیرا مادامی که نفس مصیبات و بلیّات را مکروه شمارد و آن را جزع باطنی از آنها باشد، مقام معرفتش ناقص است، چنانچه مقام رضای به قضا و خشنودی از توجه بلیّات مقام شامختری است، گرچه آن را نیز از مقامات متوسطین محسوب نماییم. و همین طور صبر در معاصی و بر طاعات نیز از نقصان معرفت به اسرار عبادات و صور معاصی و طاعات است، زیرا که اگر کسی حقیقت عبادت را بفهمد و به صور برزخیه بهیه آن ایمان داشته باشد، و همین طور به صور برزخیه موحشه معاصی مؤمن باشد، صبر در این مقامات برای او معنی ندارد، بلکه مطلب منعکس می‌شود: اگر برای او خوشی و راحتی پیش آمد کند یا کارش منجر به ترك عبادتی یا فعل معصیتی شود، آنها نزد او مکروه افتد و جزع باطنی او بیشتر باشد از جزع اهل صبر در بلیّات و مصیبات. از جناب عبد صالح عارف به وظایف عبودیت، صاحب مقامات و کرامات، علی بن طاووس^۱، قدّس الله نفسه، منقول است که روز اوّل تکلیف خود را جشن می‌گرفته و سور و سرور می‌کرده و عید محسوب می‌کرده، برای آنکه خدای تبارک و تعالی او را در آن روز مفتخر فرموده به اذن در فعل طاعات^[۴]. آیا برای این روح لطیف باید فعل طاعات را صبر در مکروهات کامنه در باطن به شمار آورد؟ ماها کجا هستیم و این بندگان فرمانبر حق کجا. ما باز گمان می‌کنیم حق تعالی تحمیل به ما فرموده و تکالیف را زحمت و کلفت می‌دانیم. اگر یکی از ما هم زحمت کشد و در اوّل وقت فریضه را به جا آورد، می‌گوید که انسان باید این کار را بکند زودتر خود را راحت کنیم! همه بدبختیهای ما از جهل و نادانی است و نقصان و فقدان ایمان است.

۱ رضی الدین علی بن موسی بن جعفر (۵۸۹-۶۶۴)، مشهور به «ابن طاووس»، از کملین علمای شیعه و عالم و عابد و زاهد و صاحب مقامات و کرامات و از نزدیکان حضرت حجّت (عج) در دوره غیبت صغری. او را کتب با ارزش در جمله علوم، بخصوص اخلاق و عبادات، است، از جمله: مهج الدعوات، اقبال، جمال الاسبوع، کشف المحجّة، الیقین، فلاح السائل.

در هر حال، بحقیقت صبر [نگاهداری نفس از شکایت بر] جزع کامن است.

و آنچه درباره ائمه هدی یا انبیاء عظام وارد شده که توصیف شدند به صبر، تواند که صبر بر آلام جسمانی بوده که به مقتضای طبایع بشریه باعث تأثر است، یا صبر بر فراق محبوب بوده که از مقامات بزرگ محبین است، و پس از این ذکر از آن می‌شود، و الا صبر بر طاعات و معاصی و بلیات غیر آنچه ذکر شد درباره آنها، بلکه شیعیان آنها، معنی ندارد.

عارف معروف، کمال الدین عبد الرزاق کاشانی،^[۵] در شرح منازل گوید:

«مراد شیخ که فرماید صبر خودداری از شکایت است، شکایت به مخلوق است، و الا شکایت به حق تعالی و اظهار جزع در درگاه قدس او با صبر منافات ندارد، چنانچه حضرت ایوب عرض شکوی به حق نمود: **أَنِي مَسْنَى الشَّيْطَانِ بِنَصْبٍ وَ عَذَابٍ**^۱ با آنکه حق تعالی او را مدح فرماید: بقوله: **أَنَا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ**^۲ و حضرت یعقوب عرض می‌کند: **إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَ حَزَنِي إِلَى اللَّهِ**^۳ با آنکه او از صابران صابران بود. بلکه ترك شکایت به سوی حق اظهار تجلّد و ظهور به دعوی است.» - انتهی^[۶].

از سیره انبیاء عظام و حضرات ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، نیز چنان ظاهر می‌شود که با آنکه مقامات آنها بالاتر از صبر [و] رضا و تسلیم بوده، مع ذلك هیچ گاه از دعا و عجز و تضرع در درگاه معبود خودداری نمی‌کردند، و عرض حاجات خود را به حضرت حق تعالی می‌نمودند. و این مخالف با مقامات روحانیه نیست، بلکه تذکر حق و انس و خلوت با محبوب و اظهار عبودیت و ذلت در پیشگاه عظمت کامل مطلق غایت آمال عارفین و نتیجه سلوک سالکین است.

۱ «[پروردگارا] شیطان مرا معذب ساخته است.» (ص - ۴۱).

۲ «ما ایوب را بنده‌ای حلیم و خویشتندار یافتیم، چه نیکو بنده‌ای بود، رجوعش دائم به درگاه ما بود.» (ص - ۴۴ - ۴۵).

۳ «شکایت غم و اندوه خویش به خدا می‌برم.» (یوسف - ۸۷).

نتایج صبر

بدان که از برای صبر نتایج بسیار است، که از جمله آنها ارتیاض و تربیت نفس است. اگر انسان مدتی در پیشامدهای ناگوار و بلیّات روزگار و در مشقت عبادات و مناسک و تلخی ترك لذات نفسانیه، به واسطه فرمان حضرت ولیّ النعم، صبر کند و تحمل مشاقّ را گر چه سخت و ناگوار باشد بنماید، کم کم نفس عادت می‌کند و مرتاض می‌شود و از چموشی بیرون می‌آید و سختی تحمل مشاقّ بر آن آسان می‌شود، و از برای نفس ملکه راسخه نوریّه پیدا می‌شود که به واسطه آن از مقام صبر ترقی می‌کند و به مقامات عالیّه دیگر نایل می‌شود. بلکه صبر در معاصی منشأ تقوای نفس شود، و صبر در طاعات منشأ انس به حق گردد، و صبر در بلیّات منشأ رضا به قضای الهی شود. و این‌ها از مقامات بزرگ اهل ایمان، بلکه اهل عرفان، است. و در احادیث شریفه اهل بیت عصمت [ستایش] بلیغ از صبر گردیده، چنانچه در کافی شریف سند به حضرت صادق - سلام الله علیه، - رساند:

قال: الصّبر من الإیمان بمنزلة الرّأس من الجسد، فإذا ذهب الرّأس، ذهب الجسد، و كذلك إذا ذهب الصّبر، ذهب الإیمان.^[۷] فرمود: «صبر نسبت به ایمان به مثابه سر است نسبت به بدن. پس وقتی رفت سر، جسد برود، و همین طور وقتی که صبر رفت، ایمان برود.» و در حدیث دیگر سند به حضرت سجاد، علی بن الحسین، علیهما السلام، رساند، قال: الصّبر من الإیمان بمنزلة الرّأس من الجسد، و لا إیمان لمن لا صبر له.^۱ و احادیث بسیار در این باب است که ما پس از این به مناسبت به ذکر بعضی از آن می‌پردازیم.

صبر کلید ابواب سعادات و سر منشأ نجات از مهالك است. بلکه صبر بلیّات را بر انسان آسان می‌کند و مشکلات را سهل می‌نماید و عزم و اراده را قوّت می‌دهد و مملکت روح را مستقل می‌نماید. و جزع و بیتابی علاوه بر عاری که خود دارد و کاشف از ضعف نفس است، انسان را بی‌ثبات و اراده را ضعیف و عقل را سست می‌کند. جناب محقق خبیر خواجه نصیر، قدّس الله سرّه، فرماید: و هو (أی الصّبر) يمنع الباطن عن الاضطراب، و اللّسان عن الشّکایة، و الأعضاء عن الحركات الغير المعتادة.^[۸] یعنی «صبر

۱ امام سجاد (ع) فرمود: «نسبت صبر به ایمان همچون نسبت سر است به تن. و هر که صبر ندارد ایمان ندارد.» اصول کافی، ج ۲،

ص ۸۹، «کتاب ایمان و کفر»، «باب صبر»، حدیث ۴.

جلوگیری کند باطن را از بیتابی، و زبان را از شکایت، و اعضا را از کارهای خلاف عادت.» و بعکس انسان غیر صابر باطن و قلبش مضطرب و وحشتناک است و دلش لرزان و متزلزل است. و این خود بلیّه‌ای است فوق بلیّات و مصیبتی است بالاترین مصیبتها که سربار انسان می‌شود و راحتی را از انسان سلب می‌کند. اما صبر تخفیف می‌دهد مصیبت را، و قلب غالب می‌شود بر بلیّات و اراده قاهر می‌شود بر مصیبات وارده. و همین طور انسان غیر صابر و بی‌شکیب زبانش به شکایت پیش هر کس و ناکس باز شود، و این علاوه بر رسوایی پیش مردم و معروفیت به سست عنصری و کم‌ثباتی و افتادن از نظر خلق، پیش ملائکه الله و در درگاه قدس ربوبیت از ارزش می‌افتد. بنده‌ای که نتواند يك مصیبت که از حق و محبوب مطلق به او می‌رسد تحمل کند، و انسانی که از ولی نعمت خود، که هزاران هزار نعمت دیده و همیشه مستغرق نعمتهای اوست، يك بلیّه دید زبان به شکایت پیش خلق گشود، چه ایمانی دارد و چه تسلیمی در مقام مقدس حق دارد؟ پس درست است که گفته شود کسی که صبر ندارد ایمان ندارد.

اگر تو به جناب ربوبی ایمان داشته باشی و مجاری امور را به ید قدرت کامله او بدانی و کسی را متصرف در امور ندانی، البته از پیشامدهای روزگار و از بلیّات وارده شکایت پیش غیر حقّ تعالی نکنی، بلکه آنها را به جان و دل بخری و شکر نعم حق کنی.

پس، آن اضطراب‌های باطنی و آن شکایت‌های زبانی و آن حرکات زشت غیر معتاد اعضا همه شهادت دهند که ما از اهل ایمان نیستیم. تا نعمت در کار است، صورتاً شکری می‌کنیم. و آن نیز مغزی ندارد، بلکه برای طمع ازدیاد است. وقتی که يك مصیبت پیشامده کرد، یا يك درد و مرضی رو آورد، شکایتها از حق تبارک و تعالی پیش خلق می‌بریم و زبان اعتراض و کنایه گویی را باز کرده پیش کس و ناکس شکوه‌ها می‌کنیم. کم‌کم این شکایتها و جزع و فزعها در نفس تخم بغض به حق و قضای الهی می‌کارد، و آن بتدریج سبز می‌شود و قوّت می‌گیرد تا آنکه ملکه می‌شود، بلکه خدای نخواستہ صورت باطن ذات صورت [بغض] به قضای حق و دشمنی ذات مقدس شود. آن وقت عنان از کف گسیخته شود و مهار اختیار از چنگ رها شود و انسان به هیچ وجه نتواند ضبط حال و خیال نماید و ظاهر و باطن رنگ دشمنی حق تعالی گیرد، و با يك پارچه بغض و عداوت مالک التّعّم از این عالم منتقل گردد و به شقاوت

ابدی و ظلمت همیشگی دچار شود. پناه می‌برم به خدا از بدی عاقبت و ایمان مستودع. پس، صحیح است که می‌فرماید وقتی که صبر برود ایمان می‌رود.

پس ای عزیز، مطلب بس مهم و راه خیلی خطرناک است. از جان و دل بکوش و در پیشامدهای دنیا صبر و بردباری را پیشه خود کن، و در مقابل بلیّات و مصیبات مردانه قیام [کن]، و به نفس بفهمان که جزع و بیتابی علاوه بر آن که خود ننگی بزرگ است، برای رفع بلیّات و مصیبات فایده‌ای ندارد، و شکایت از قضای الهی و اراده نافذ حق پیش مخلوق ضعیف بی‌قدرت و قوّه مفید فایده نخواهد بود. چنانچه اشاره به آن در حدیث شریف کافی فرماید:

محمّد بن یعقوب یاسناده عن سماعة بن مهران، عن أبي الحسن، عليه السلام، قال: قال لي: ما حبسك عن الحجّ؟ قال قلت: جعلت فداك، وقع عليّ دين كثير و ذهب مالي، و ديني الذي قد لزمني هو أعظم من ذهاب مالي، فلولا أنّ رجلا من أصحابنا أخرجني ما قدرت أن أخرج. فقال لي: إن تصبر تغتبط، و ألاّ تصبر ينفذ الله مقاديره، راضيا كنت أم كارها. [۹] «سماعه گفت: فرمود أبو الحسن کاظم، علیه السلام، به من: «چه چیز مانع شد تورا از حج؟» گفت گفتم: «فدایت شوم، واقع شد بر من قرض بسیاری، و مالم رفته است، و قرضی که لازم شده بزرگتر است از رفتن مالم. اگر نبود مردی از رفقای ما که خارج کرد مرا، قدرت نداشتیم که خارج شوم.» پس فرمود به من: «اگر صبر کنی، مورد غبطه شوی، و اگر صبر نکنی، اجرا می‌کند خدا تقدیرات خود را، خشنود باشی یا کراحت داشته باشی.» پس معلوم شد که جزع و بیتابی مفید فایده نیست، بلکه ضررهای بس هولناک دارد و هلاکتهای بس ایمانسوز در دنبال آن است، و صبر و بردباری خود دارای ثواب جزیل و اجر جمیل و صور بهیّه و تمثال شریف برزخی است، چنانچه در ذیل حدیث شریف که ما به شرح آن پرداختیم فرماید: و كذلك الصبر يعقب خيرا، فاصبروا و وطنوا أنفسكم على الصبر توجروا. پس صبر را عاقبت خیر است در این عالم، چنانچه از تمثیل به حضرت یوسف، علیه السلام، معلوم می‌شود، و موجب اجر است در آخرت.

و در حدیث شریف کافی سند به أبو حمزه ثمالی، رحمه الله، رساند. قال:

قال أبو عبد الله عليه السلام: من ابتلى من المؤمنين ببلاء فصبر عليه، كان له مثل اجر ألف شهيد. [۱۰]
«فرمود حضرت صادق، علیه السلام: «کسی که مبتلا به بلیه‌ای شود و صبر کند، برای او اجر هزار

شاهد است.» و احادیث کثیره در این باب وارد است که ما بعضی آنها را در فصل بعد ذکر می‌کنیم. اما اینکه از برای صبر صورت بهیه برزخیه است، علاوه بر اینکه مطابق قسمی از برهان است، در احادیث شریفه نیز از آن ذکر شده است، چنانچه در کافی شریف سند به حضرت صادق، علیه السلام، رساند، قال: إذا دخل المؤمن [فی] قبره، كانت الصَّلَاة عن يمينه و الزَّكَاة عن يساره و البرّ مطّل عليه و يتنحّى الصّبر ناحية، فإذا دخل عليه الملكان اللذان يليان مساءلته، قال الصّبر للصّلاة و الزَّكَاة و البرّ: دونكم صاحبكم، فإن عجزتم عنه فأنا دونه. ^[۸۷] فرمود: «وقتی داخل شود مؤمن به قبرش، می‌باشد نماز از راست او و زکات از چپ او و نیکی و احسان مشرف بر او، و دور شود [صبر] بر طرفی. پس وقتی که داخل شوند بر او دو ملکی که کارگزار مسألت از او هستند، گوید صبر به نماز و زکات و نیکی: «بگیرید رفیق خود را. (یعنی همراهی کنید او را.) پس اگر شما از او عاجز [ید]، من او را می‌گیرم.»

درجات صبر

بدان که از برای صبر، به حسب آنچه از احادیث شریفه معلوم می‌شود، درجاتی است، و اجر و ثواب آن به حسب درجات آن مختلف است. چنانچه در کافی شریف، سند به حضرت مولای متقیان، امیر مؤمنان، علیه السلام، رساند.

قال: قال رسول الله، صَلَّى الله عليه و آله، الصّبر ثلاثة: صبر عند المصيبة، و صبر على الطّاعة، و صبر عن المعصية. فمن صبر على المصيبة حتّى يردّها بحسن عزائها، كتب الله لها ثلاثمائة درجة ما بين الدّرجة إلى الدّرجة، كما بين السّماء و الأرض. و من صبر على الطّاعة، كتب الله له ستمائة درجة ما بين الدّرجة إلى الدّرجة، كما بين تخوم الأرض إلى العرش. و من صبر عن المعصية، كتب الله له تسعمائة درجة ما بين الدّرجة إلى الدّرجة، كما بين تخوم الأرض إلى منتهى العرش. ^[۸۸] «فرمود حضرت امیر، علیه السلام، که فرمود رسول خدا، صَلَّى الله عليه و آله: «صبر سه گونه است: صبر نزد مصیبت است، و صبر بر طاعت است، و صبر از معصیت. پس کسی که صبر کند بر مصیبت تا آنکه برگرداند مصیبت و شدت آن را به نیکی عزای آن (یعنی با صبر جمیل شدت مصیبت را ردّ کند)، بنویسد خدا برای او سیصد درجه، ما بین هر درجه تا درجه مثل ما بین آسمان و زمین. و کسی که صبر نماید بر اطاعت، بنویسد خدا

از برای او ششصد درجه، میانه درجه تا درجه مثل میانه قعر زمین تا عرش. و کسی که صبر کند بر معصیت، بنویسد خداوند برای او نهصد درجه، میانه درجه تا درجه مثل میانه منتهای زمین تا منتهای عرش. و از این حدیث شریف معلوم می‌شود که صبر بر معصیت افضل است از سایر مراتب صبر، چه که هم درجات آن بیشتر است، و هم سعه بین درجات بسیار زیادتر است.

[۱] حدیث ۱۵، پاورقی ۳۲.

[۲] اوصاف الاشراف ص ۱۰۸ فصل ۵، باب ۳.

[۳] منازل السائرین، ص ۳۸ باب «الصبر».

[۴] کشف المحجّة، ص ۳۱، فصل ۴۸.

[۵] حدیث ۱۳، پاورقی ۱۳.

[۶] شرح منازل السائرین ص ۸۵، باب «صبر».

[۷] اصول کافی، ج ۲، ص ۸۷، «کتاب ایمان و کفر»، «باب صبر»، حدیث ۲.

[۸] اوصاف الاشراف ص ۱۰۷، فصل ۵، باب ۳.

[۹] اصول کافی، ج ۲، ص ۹۰، «کتاب ایمان و کفر»، «باب الصبر»، حدیث ۱.

[۱۰] اصول کافی، ج ۲، ص ۹۲، «کتاب ایمان و کفر»، «باب الصبر»، حدیث ۱۷.

[۱۱] اصول کافی، ج ۲، ص ۹۰، «کتاب ایمان و کفر»، «باب الصبر»، حدیث ۸.

[۱۲] اصول کافی، ج ۲، ص ۹۱، «کتاب ایمان و کفر»، «باب الصبر»، حدیث ۱۵.

امام خمینی (ره)، چهل حدیث (اربعین حدیث)، ص: ۲۶۰

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی (ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور